بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی - 28 /بهمن/ 1404

بسم الله الرّحمن الرّحیم
الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید مردم عزیز تبریز و آذربایجان، بخصوص جوانها، بخصوص خانواده‌های شهدا. حضور جمع جوان در این گامهای استواری که از آذربایجان به این حسینیّه تشریف آورده‌اند، مژده‌بخش «اتّصال نسلی» میان همه‌ی نسلهای گذشته و امروزه‌ی دوران انقلاب در شهر تبریز و در آذربایجان است که این یکی از برترین امتیازات شهر شما و استان شما است.

بنده هر وقتی که در طول زمان، در دوران انقلاب، به تبریز یا به شهرهای دیگر آذربایجان سفر کردم، احساس کردم یک امتیازی، یک رجحانی در احساسات و در نگاه و دید این مردم وجود دارد که انسان در جاهای دیگر کمتر مشاهده میکند. خود این ماجرای بیست‌ونهم بهمن در سال ۵۶ (۱) یک علامت تاریخی است که اصلاً نمیشود آن را فراموش کرد. وقت‌شناسی، اقدام به‌هنگام، فداکاری، از خصوصیّات آن حادثه است. رحمت خدا بر امام‌جمعه‌ی فقید شهر، مرحوم آقای آل‌هاشم (رضوان الله علیه) که در یکی از دیدارها این خصوصیّات را بدرستی تشریح کرد و بیان کرد ؛ و بنده هم آن را به چشم مشاهده کرده‌ام و دیده‌ام.

من توصیه‌ی اصلی‌ام را همین اوّل عرض بکنم: این وقت‌شناسی را از دست ندهید ؛ این حضور به‌هنگام را از دست ندهید ؛ این خیلی امتیاز است. آذربایجان زنده است و حیات دارد. یک ملّت زنده و بانشاط هرگز دچار بازی‌های سیاسی و ترفندهای گوناگون دشمنان نمیشود. بحمدالله شما این وقت‌شناسی را و موقع‌شناسی را حفظ کرده‌اید ؛ امسال در بیست‌ودوّم بهمن، جزو گزارشهایی که به ما دادند، [این بود که] همه‌ی شهرها افزایش جمعیّت داشته، و تبریز دو برابر [بوده].

عزیزان من! دیدار امسال ما و این دیدار امروز، یک دیدار استثنائی است ؛ فرق دارد با سالهای دیگر. امسال سال عجیبی بود ؛ امسال سالی بود که ملّت ایران در چند مرحله، در چند وهله عظمت خودش و اراده‌ی خودش و عزم راسخ خودش و توانایی‌های خودش را نشان داد، رو کرد، عرضه کرد ؛ از جنگ دوازده‌روزه بگیرید تا همین روزهای اخیر.

امروز البتّه در آستانه‌ی ماه رمضان هم هستیم ؛ این هم جزو روزهای مبارک است. امسال مردم کشورمان و از جمله شما مردم عزیز عازم (۲) غیور آذربایجان توانستید ایران را سربلند کنید، توانستید کشورتان را عزیز کنید. اینکه عرض میکنم [توانستید] سربلند کنید، فقط یک تعبیر نیست ؛ این حرفی است که مسئولین کشورمان که برای مسائل سیاسی به کشورها سفر میکنند، برای ما نقل میکنند. آنها میگویند که امروز «ایران» در چشم سیاستمدارانی که ما ملاقات کردیم و درباره‌ی ایران حرف زدیم، یک برجستگی ویژه‌ای پیدا کرده و آن به خاطر همین ایستادگی‌ها و همین قدرت‌نمایی‌ها است.

من امروز درباره‌ی دو موضوع میخواهم صحبت کنم ؛ یکی درباره‌ی این فتنه‌ای که در حدود یک ماه، چهل روز قبل اتّفاق افتاد ؛ درباره‌ی این باید صحبت کرد، درباره‌ی این باید تحلیل کرد. من البتّه چند روز قبل از این در این زمینه

یک صحبتی کردم، (۳) امروز هم مختصر صحبت میکنم ؛ لکن کسانی که اهل تحلیلند، اهل فکرند، باید کار کنند. یک صحبت دیگر هم درباره‌ی آمریکا، این نظامِ درواقع روبه‌زوال، این امپراتوریِ روبه‌سقوط، چند جمله‌ای صحبت خواهم کرد.

امّا راجع به این فتنه، من در یک کلمه به شما بگویم: عزیزان من! آنچه اتّفاق افتاد، یک «کودتا» بود که شکست خورد. این‌جور نبود که فرض کنیم یک عدّه جوان یا غیر جوان در یک جایی عصبانی شدند، حرکتی کردند، اقدامی کردند، اعتراضی کردند یا اغتشاشی کردند ؛ نه، بیش از این حرفها بود ؛ کودتا بود، منتها این کودتا زیر پای ملّت ایران له شد.

به طور خلاصه قضیّه این‌جوری است: دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسیِ دو کشور آمریکا و فلسطین اشغالی، یعنی همین رژیم صهیونیِ باطل، به کمک دستگاه‌های اطلاعاتی بعضی از کشورهای دیگر ــ که بعضی از آن کشورها را هم ما می‌شناسیم ــ در طول زمان گشته‌اند یک تعدادی افراد شرور یا دارای زمینه‌های شرارت را در کشورمان پیدا کرده‌اند، اینها را برده‌اند، به آنها پول داده‌اند، اسلحه داده‌اند، آموزشِ خرابکاری داده‌اند، آموزشِ ورود در مراکز نظامی یا مراکز دولتی داده‌اند، و فرستاده‌اند به ایران، منتظر برای یک فرصت، که هر گاه یک فرصتی پیدا شد، اینها کار خودشان را شروع کنند. کار آنها هم عبارت است از اینکه یک عدّه مخاطبِ ساده‌دل را ــ یا جوان یا غیر جوان را ــ تحت تأثیر قرار بدهند، عصبانی کنند و آنها را وادار کنند به ورود در میدانهای سخت. این فرصت برایشان پیش آمد ؛ در حدود یک ماه و نیم قبل وارد میدان شدند و این جوانهای ساده‌دل و بی‌تجربه را جلو انداختند ؛ به کجا؟ به [سوی] مراکز حسّاس: مراکز نظامی، مراکز زیربنائی، مراکز انبارهای بنزین، مراکز حسّاس نظامی و دولتی. اینها را آنجا [جلو] انداختند و خودشان هم با سلاحهای مختلف ــ سلاح کمری، سلاح شخصی، تفنگ، نارنجک و غیرذلک ــ وارد میدان شدند و سیاستشان این بود که حرکت، حرکت خشن و بی‌ملاحظه باشد ؛ مثل حرکت داعش. تصمیم گرفتند که خشن عمل کنند ؛ لذا انسان زنده را آتش میزنند، بچّه را در بغل پدرش میکُشند ؛ کارهای خشن میکنند. و متأسّفانه یک عدّه‌ای از هم‌میهنان ما به خاطر حرکت اینها به دیار باقی رفتند و جان باختند.

هدف چه بود؟ هدف این بود که پایه‌های نظام را سست کنند، متزلزل کنند، مراکز حسّاس را بگیرند، صداوسیما را بگیرند و از این قبیل ؛ این کاری بود که اینها میخواستند بکنند. نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه و تعداد زیادی جوان که نه جزو بسیج بودند، نه جزو سپاه بودند، در مقابل اینها قرار گرفتند. بعضی با دست خالی با اینها برخورد کردند، بعضی هم شهید شدند ؛ لکن در نهایت چه شد؟ در نهایت، دشمن چه قبول بکند، چه قبول نکند، این کودتایی که با این‌همه زحمت، با این‌همه خرج، با این‌همه پیش‌بینی، آن را در داخل کشور فراهم کرده بودند، به خاک نشست و شکست خورد و ساقط شد. این اتّفاقی بوده که افتاده. قضیّه، قضیّه‌ی مهمّی است، قضیّه‌ی کوچکی نیست.

خب آنچه پیش آمد، شکست دشمن و پیروزی ملّت ایران بود ؛ این، معلوم و مشخّص است. بعد هم که آن راه‌پیمایی عجیب بیست‌ودوّم دی و بعد هم بیست‌ودوّم بهمن که واقعاً آیت الهی بود این حرکت عظیم و متراکم مردم. این [یک] سیاست. سیاستهای بعدی هم هست. بنده نمیخواهم به طور قاطع بگویم، لکن میخواهم بگویم ملّت ایران که توانسته از بدخواهی دشمن و توطئه‌ی دشمن این‌جور پیروز بیرون بیاید، این پیروزی را باید حفظ کند که آن هم با آمادگی است، با هوشیاری است، با اتّحاد ملّی است.

امّا خونهایی بر زمین ریخته شد. ما داغداریم، ما عزاداریم به خاطر خونهایی که ریخته شد. [البتّه] یک عدّه‌ای خودِ آن مفسدین و فتنه‌گران و کودتاچی‌ها بودند ؛ یک عدّه‌ای آنها بودند که اجل مهلتشان نداد و به درک واصل شدند و سروکارشان با خدا است ؛ با آنها کاری نداریم. لکن یک عدّه‌ای دیگر بودند که جزو آنها نبودند، سه گروه بودند، سه

دسته بودند ؛ من کشته‌ها و جان‌باخته‌ها را به سه دسته تقسیم میکنم: یک دسته، نیروهای مدافع امنیّت و مدافع سلامت نظام بودند ؛ چه نیروهای انتظامی، چه نیروهای بسیجی و سپاهی و چه کسانی که در کنار اینها حرکت میکردند و شهید شدند ؛ اینها جزو برترین شهدائند ؛ یک دسته اینها هستند. یک دسته، رهگذرها هستند. وقتی که فتنه‌گر در داخل شهر فتنه بر پا میکند، فقط افرادی که مواجه با او هستند از بین نمیروند ؛ ازمردم بیگناه [طرف] در خیابان دارد راه میرود به طرف محلّ کسبش و طرف خانه‌اش ؛ یک عدّه هم از اینها شهید شدند ؛ اینها هم شهیدند، به خاطر اینکه در فتنه‌ی دشمن به شهادت رسیدند. این گلوله از هر جا آمده باشد، در فتنه‌ی دشمن این اتّفاق افتاده است و [لذا] این دسته‌ی دوّم هم شهیدند. دسته‌ی سوّم آن کسانی هستند که فریب خوردند، سادگی به خرج دادند، بی‌تجربه بودند، با فتنه‌گرها همراه شدند. من میخواهم بگویم آنها هم از ما هستند، آنها هم بچّه‌های ما هستند. یک عدّه‌ای از آنها هم پشیمان شدند. بعضی‌شان به من نامه نوشتند که ما آن روز آمدیم در خیابان و چه و چه و چه، ما را حلال کن! در زندان هم نبودند، آزاد بودند، [امّا] پشیمان شدند، اشتباه کردند. آن کسانی از اینها که کشته شدند، مسئولین آنها را هم شهید محسوب کردند ؛ خوب کردند. بنابراین دایره‌ی جانباختگان ما که اینها را به عنوان «شهید» حساب میکنیم، دایره‌ی وسیعی است: بجز آن اصحاب فتنه و سردسته‌ها و کسانی که از دشمن پول گرفتند، اسلحه گرفتند، به غیر آنها، بقیّه: چه عناصر مدافع امنیّت، چه رهگذرها، و چه حتّی کسانی که با فتنه‌گرها چند قدمی حرکت کردند که اینها [هم] فرزندان ما هستند، و ما برای اینها طلب رحمت میکنیم، طلب مغفرت میکنیم ؛ اشتباه کردند، خدای متعال از اشتباه اینها درگذرد ؛ ان‌شاءالله.

خب، پس ببینید یک پدیده‌ای به وجود آمد به دست آمریکایی‌ها به نام داعش، که آمریکایی‌ها اقرار کردند، اعتراف کردند که داعش را آنها به وجود آوردند ؛ با شیوه‌های معیّنی. داعش کم‌وبیش از بین رفته امّا این گروه جدید، اینها هم داعشهای جدیدند ؛ باید مراقب بود، باید مواظب بود! مسئولین یک جور، مردم یک جور. بخصوص جوانها حواسشان جمع باشد که چه کسی با آنها صحبت میکند، چه کسی به آنها پیشنهاد میکند.

اگر از این دسته‌ی مفسدِ اصلی کسانی هنوز در کشور باشند ــ که لابد هم هستند ــ اینها باید تعقیب بشوند، باید مجازات بشوند، باید محاکمه بشوند ؛ ملّت، طلبکار این قضیّه است. دستگاه‌های امنیّتی و قضائی موظّفند که آن کسانی را که با دشمن همراهی میکنند، همکاری میکنند، هم‌صدایی میکنند ــ چه در عمل، چه در زبان، چه در تحلیل ــ با اینها برخورد قضائی بکنند، برخورد عادلانه بکنند. بنده طرف‌دار سخت‌گیری بیجا نیستم امّا آسان‌گیری بیجا هم مثل سخت‌گیری بیجا کشور را دچار زیان میکند. پس به گمان زیادِ من، نقشه‌ی آینده‌ی آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی این نوع کار است، این سبک کار است. البتّه من یقین دارم که به لطف الهی هر گونه حرکتی از این قبیل به دست ملّت ایران نابود خواهد شد ؛ بدون تردید. ملّت بحمدالله زنده است، بیدار است، آماده است.

امّا در مورد امپراتوری روبه‌انقراض آمریکا ؛ واقعاً روبه‌انقراض! مشکل اقتصادی دارند، مشکل سیاسی دارند، مشکل اجتماعی دارند ؛ بیش از پنجاه درصد مردم آمریکا رئیس‌جمهور فعلی‌شان را قبول ندارند ؛ اینها مشکلات یک کشور است ؛ اینها غرق در مشکلاتند. من فقط یک کلمه عرض بکنم ؛ آن روز هم گفتم (۴) که مسئله‌ی ما با آمریکا این است که آنها میخواهند ایران را ببلعند، ملّت ایران مانع است، جمهوری اسلامی مانع است. اینها مایلند که بر ملّت ایران تسلّط پیدا کنند. این حرفهایی هم که رئیس‌جمهور آمریکا میزند ــ که من حالا اشاره خواهم کرد ــ گاهی تهدید میکند، گاهی میگوید باید فلان کار بشود، فلان کار نشود، معنایش این است که اینها در پی تسلّط بر ملّت ایرانند.

ملّت ایران درسهای اسلامی و شیعیِ خودش را خوب بلد است ؛ میداند که چه کار کند. امام حسین (علیه السّلام) فرمود: مِثلی لا یُبایعُ مِثلَ یَزید ؛ (۵) کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمیکند. ملّت ایران در واقع میگویند:

ملّتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.

هر چه درباره‌ی فساد اینها شنیده بودیم یک طرف، این قضیّه‌ی این جزیره‌ی (۶) بدنام و فاسد هم یک طرف! اینها در واقع نشان‌دهنده‌ی تمدّن غرب است. اینکه ما راجع به تمدّن غرب، راجع به لیبرال‌دموکراسی غرب حرف میزنیم، این است. دویست سال، سیصد سال حرکت میکنند، نتیجه‌اش میشود یک چنین چیزی. این جزیره یک نمونه است ؛ از این قبیل حرفها خیلی زیاد است. همچنانی که این آشکار نبود و آشکار شد، خیلی چیزهای دیگر هم هست که آشکار خواهد شد.

امّا راجع به مسائل آمریکا. فضای تبلیغاتی دولتیِ آمریکا و مطبوعات و رسانه‌های صهیونیستی که در آمریکا فعّال هستند، این روزها درباره‌ی ایران تقریباً یکسره تهدید است ؛ تهدید میکنند که ما چنین میکنیم، ما چنان میکنیم. شما مردم تبریز و بسیاری از ملّت ایران در این بیست‌ودوّم بهمن جواب این تهدیدها را دادید ؛ نشان دادید که این تهدید اثر ندارد و اثر تهدید، عکس است ؛ بعکس، انگیزه ایجاد میکند. حضور متراکم ملّت در این راه‌پیمایی بیست‌ودوّم بهمن، پاسخ خیلی از این حرفهای بی‌معنی و مُهملی را که رؤسای موجود آمریکا میزنند داد.

خودشان هم که خب میدانند. خود آمریکایی‌ها که حالا مدام تهدید میکنند که جنگ میشود، فلان میشود، میدانند که طاقت این حرفها را ندارند ؛ مشکلات اقتصادی‌شان، مشکلات سیاسی‌شان، اعتبار و آبروی بین‌المللی‌شان طاقت برخورد را به آن صورت ندارد ؛ این را میدانند ؛ میدانند که اگر چنانچه اشتباهی بکنند، چه آینده‌ای در اختیار آنها است.

یکی از نشانه‌های زوال امپراتوری فاسد و ظالم آمریکا، بی‌منطقیِ آنها است ؛ بی‌منطقند. یک حکومت وقتی یک کاری انجام میدهد، باید یک منطقی پشت سرش باشد ؛ بی‌منطقند. یکی از بی‌منطقی‌های آنها همین مسئله‌ی ارتباط آنها با مسائل داخلی کشور ما است. اوّلاً در مسائل داخلی ایران میخواهند دخالت کنند. یکی از مسائل داخلی ما که برایمان خیلی اهمّیّت دارد، عبارت است از مسئله‌ی تسلیحات ما. ما باید برخوردار باشیم از تسلیحات بازدارنده. اگر یک کشوری تسلیحات بازدارنده نداشته باشد، زیر پای دشمنان لِه میشود. تسلیحات بازدارنده یکی از واجبات ملّت ما است. آمریکایی‌ها بیخود در این قضیّه دخالت میکنند که «شما موشک فلان‌جور داشته باشید، فلان‌جور نداشته باشید ؛ تا فلان بُرد داشته باشید، بیشتر از آن نداشته باشید»! به شما چه؟ به شما چه ارتباطی دارد؟ [این] مربوط به ملّت ایران است.

یا قضیّه‌ی صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای. صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای برای جنگ نیست، برای اداره‌ی کشور است ؛ برای کشاورزی است، برای درمان و بهداشت است، برای انرژی و همه‌ی چیزهایی است که متّکی به انرژی است. ملّت ایران دارد کار خودش را انجام میدهد ؛ به شما چه؟ به شما چه ربطی دارد؟ (۷) اینکه شما میگویید «حقّ مسلّم ما است»، این در قراردادها و آئین‌نامه‌های خود آژانس بین‌المللی هسته‌ای هم آمده ؛ یعنی همه‌ی کشورها حق دارند در داخل کشورشان تأسیسات هسته‌ای داشته باشند، حتّی تأسیسات غنی‌سازی داشته باشند. این جزو حقوق ملّت است. آمریکایی‌ها چرا دخالت میکنند؟ این نشان‌دهنده‌ی نامنظم بودن و نامرتّب بودنِ فکریِ مدیران امروز و دیروز آمریکا است ــ فرق نمیکند ــ چرا دخالت میکنند؟ حالا عجیب‌ترش این است که دخالت میکنند، میگویند بیایید درباره‌ی انرژی هسته‌ایِ شما با هم مذاکره کنیم و نتیجه‌ی مذاکره بشود این که شما این انرژی را نداشته باشید! اگر واقعاً مذاکره‌ای باید انجام بگیرد ــ که جای مذاکره نیست ــ اگر بنا شد مذاکره‌ای انجام بگیرد، تعیین نتیجه‌ی مذاکره از قبل، یک کار غلط و ابلهانه‌ای است. خب تو میگویی بیا با هم حرف بزنیم که درباره‌ی فلان موضوع به

توافق برسیم، چرا نتیجه را معیّن میکنی؟ [میگوید] «باید حتماً به این توافق برسیم»! خب این ابلهانه است ؛ این کار ابلهانه را رؤسای آمریکا و بعضی از سناتورها و رئیس‌جمهور و دیگران و دیگران دارند انجام میدهند.

فکر نمیکنند که راه برایشان بن‌بست است. به نظرشان میرسد و رئیس‌جمهور آمریکا مرتّب هم میگوید که ارتش ما قوی‌ترین ارتش دنیا است. قوی‌ترین ارتش دنیا گاهی ممکن است آن‌چنان سیلی بخورد که نتواند از جا بلند شود! مدام میگویند ما ناو فرستادیم طرف ایران ؛ خیلی خب، البتّه ناو یک دستگاه خطرناکی است امّا خطرناک‌تر از ناو، آن سلاحی است که میتواند این ناو را به قعر دریا فرو ببرد.

رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از صحبتهای اخیرش گفته که ۴۷ سال است که آمریکا نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد. به مردم خودش شکایت کرده که ۴۷ سال است که آمریکا نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد ؛ این اعتراف خوبی است. بنده میگویم تو هم نخواهی توانست این کار را بکنی.

جمهوری اسلامی یعنی یک ملّت زنده. جمهوری اسلامی یک حکومت جدا از مردم نیست. جمهوری اسلامی عبارت است از ملّت ایران، این ملّت پابرجا، این ملّت مستحکم، این ملّتی که حاضر است برای پیشرفت خودش زحمت بکشد، کار کند، تلاش کند، و بحمدالله در این ۴۷ سال پیشرفت کرده. آن روزی که جمهوری اسلامی یک نهال باریک بود، شما نتوانستید آن را از زمین قلع کنید و بکنید ؛ امروز که بحمدالله جمهوری اسلامی یک شجره‌ی مبارکه‌ی بلند و پُرثمر است.

من در پایان این عرایضم میخواهم به مسئولین عزیز دولتی، به مسئولین محترم بگویم که هر مقداری که تلاش میکنند، کار میکنند، آن را باید دو برابر بکنند، آن را باید مضاعف کنند. ما امکانات زیادی داریم ؛ وجود این تورّم در کشور غیر منطقی است ؛ سقوط ارزش پول ملّی به این اندازه غیر منطقی است ؛ باید اینها اصلاح بشود، و به امید خدا اصلاح خواهد شد. مسئولین محترم کارهایی را شروع کرده‌اند ؛ باید با جدّیّت، با دقّت، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب این کارها را ادامه بدهند، مشکلات داخلی را برطرف کنند، محیط کسب و کار را آرام کنند.

اگر تهدیدی وجود دارد، دستگاه‌های خنثی‌کننده‌ی تهدید هم به فضل الهی وجود دارد. مردم کارشان را بکنند، زندگی‌شان را بکنند، درسشان را بخوانند، محیط کسب و کار را [آرام کنند]، تجارتشان را بدون دغدغه انجام بدهند. بایستی در کشور محیط آرامش، محیط اطمینان به نفْس، محیط سکینه حاکم باشد ؛ فَاَنزَلَ اللّهُ سَکینَتَهُ عَلی رَسولِهِ وَعَلَی المُؤمِنین ؛ (۸) خدای متعال ان‌شاءالله آرامش را، اطمینان قلبی را بر یکایک آحاد مردم نازل میکند و لطف میکند ؛ مسئولین را هم موفّق میکند تا بتوانند [وظایفشان را] انجام بدهند.

من به خانواده‌های عزیز شهدا که این راه طولانی را طی کردند، تشریف آوردند، خوشامد عرض میکنم ؛ امیدوارم که ان‌شاءالله همه‌ی آنها موفّق باشند و خدای متعال این شهدای عزیز را با پیغمبر محشور کند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱ مراسمی که به مناسبت بزرگداشت چهلم شهدای قیام نوزدهم دی مردم قم در تبریز برگزار شد، با حمله‌ی مأموران مسلّح رژیم پهلوی به خاک وخون کشیده شد.
۲ مصمّم
۳ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت آغاز دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی (۱۴۰۴/۱۱/۱۲)

۴ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت آغاز دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی (۱۴۰۴/۱۱/۱۲)
۵ لهوف، ص ۲۳ (با اندکی تفاوت)
۶ جزیره‌ای خصوصی از جزایر ویرجین آمریکا که به عنوان مخفیگاه و پناهگاه برای قاچاق زنان جوان و دختران زیر سنّ قانونی، جهت سوءاستفاده از آنان مورد استفاده قرار میگرفت و بسیاری از مهمانان صاحب این جزیره، از سراسر جهان و از بالاترین سطوح جامعه بودند.
۷ شعار حضّار: «انرژی هسته‌ای حقّ مسلّم ماست.»
۸ سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۶ ؛ «... پس خدا، آرامش خود را بر فرستاده‌ی خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد ...»